

دوفصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء(س)
سال هفتم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (پیاپی ۱۹)

آزادی اقتصادی و رشد، مقایسه کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا^۱

حبیب انصاری سامانی^۲ و نوید علیزاده اوجقاز^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۹

چکیده

رشد اقتصادی و عوامل مؤثر بر آن، یکی از موضوعات مهم علم اقتصاد در هر برهه زمانی بویژه در دهه‌های اخیر بوده است. با توجه به اهمیت موضوع، در ابتدا عوامل فیزیکی از قبیل نیروی کار و سرمایه در تحلیل‌های اقتصادی مورد توجه بود، اما از چند دهه گذشته، عوامل نهادی همچون آزادی اقتصادی نیز مورد توجه قرار گرفته و امروزه بیشتر اقتصاددانان و از جمله اقتصاددانان نهادگرا، به نقش مهم آزادی اقتصادی در تحلیل‌های اقتصادی پی برده‌اند. در همین راستا، این مطالعه بر آن است تا تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو منطقه اقتصادی مهم جهان یعنی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا را با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۱۷ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهد. داده‌های مورد استفاده، به صورت داده‌های تابلویی نامتوازن بوده و برای نتیجه‌گیری بهتر، از چندین متغیر مستقل و برای تخمین مدل از روش حداقل مربعات تعمیم

۱. شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/EDP.2020.26106.1210

۲. استادیار دانشکده اقتصاد، مدیریت و حسابداری دانشگاه یزد؛ ha.ansarisa@gmail.com

۳. کارشناس ارشد علوم اقتصادی از دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)؛ alizadeh.navid@chmail.ir

یافته (GLS) استفاده شده است. نتایج تحقیق حاضر، نشان می‌دهد آزادی اقتصادی دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و اتحادیه اروپا در دوره زمانی مورد مطالعه بوده، اما میزان این تأثیرگذاری در کشورهای منطقه خاورمیانه، بیشتر از کشورهای منطقه اتحادیه اروپا است که نشانگر نقش مهم آزادی اقتصادی در ایجاد فضا و بستری مناسب برای ارتقاء رشد اقتصادی و ضرورت توجه به آن، در سیاست‌گذاری اقتصادی کشورهای منطقه خاور میانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران جهت نیل به رشد اقتصادی مطلوب و پایدار است.

واژگان کلیدی: آزادی اقتصادی، رشد اقتصادی، منطقه خاورمیانه، اتحادیه

اروپا، داده‌های تابلویی

طبقه‌بندی JEL: O47, O5, C51

۱. مقدمه

امروزه یکی از موضوعات مهمی که در کانون توجه اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی، فارغ از هرگونه گرایش فکری و مکتبی وجود دارد، مسأله رشد اقتصادی است. تأملی پیرامون نظریه‌های اولیه در حوزه علم اقتصاد، نشان می‌دهد اگرچه مسأله رشد و دامنه موضوعی آن، در گذشته، با تعاریف و عناوین گوناگون در میان اندیشمندان اقتصادی مورد توجه بوده است، اما طی چند دهه گذشته، با بسط و توسعه نظریات اقتصادی از یک‌سو، پیشرفت‌های مطالعات در حوزه اقتصاد توسعه از سوی و همچنین پیدایش روش‌های نوین در انجام مطالعات اقتصادی، این موضوع مورد توجه اساسی اقتصاددانان و سیاست‌گذاران اقتصادی قرار گرفته است. اکنون با عنایت به این موضوع که رشد اقتصادی، یکی از شاخص‌های مهم و اساسی در ارزیابی وضعیت اقتصادی کشورهای جهان است، اقتصاددانان جوامع مختلف می‌کوشند با ارائه و تدوین نظریات خود در حوزه اقتصاد رشد، بینشی جامع و فراگیر درباره علل تفاوت رشد اقتصادی در بین کشورها و مناطق مختلف جهان را فراهم آورده و تحلیلی جامع از علل این تفاوت‌ها ارائه دهند. با این وجود، به پیروی از اقتصاددانان نهادگرا، می‌باید در ریشه‌یابی و تبیین علل تفاوت رشد اقتصادی بین کشورهای جهان، به مطالعه عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی پرداخت. می‌توان در یک تقسیم‌بندی کلی، عوامل مؤثر بر رشد اقتصادی را در دو دسته کلی طبقه‌بندی نمود. دسته‌ای از این عوامل همچون نرخ پس‌انداز، سرمایه‌گذاری، رشد عوامل تولید و سرمایه انسانی، از جمله عواملی هستند که از آنها به‌عنوان عوامل اقتصادی مؤثر بر رشد اقتصادی نام برده می‌شود. دسته‌ای دیگر نیز شامل عواملی همچون حکمرانی، سیاست خارجی، ثبات سیاسی، حاکمیت نظم و قانون، تضمین قراردادها، میزان فساد دستگاه اداری، حقوق مالکیت و آزادی اقتصادی هستند که از آنها به‌عنوان عوامل غیراقتصادی مؤثر بر رشد اقتصادی نام برده می‌شود.

در بررسی و تحلیل عوامل غیراقتصادی مؤثر بر رشد اقتصادی، به نظر می‌رسد، آزادی اقتصادی علاوه بر اینکه به عنوان یک بستر و پیش‌نیاز اساسی برای توسعه و بهبود سایر عوامل غیراقتصادی مؤثر بر رشد اقتصادی مطرح است، از سویی دیگر، یکی از عواملی است که از چند دهه اخیر، جایگاه حساس و ویژه‌ای بین اهداف اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان پیدا کرده است. در این خصوص، بررسی و انجام مطالعات تجربی و میدانی توسط پژوهشگران حوزه اقتصاد سیاسی و اقتصاد بین‌الملل در نقاط مختلف جهان، حاکی از آن است که بهبود و ارتقاء وضعیت آزادی اقتصادی، علاوه بر اینکه می‌تواند شاخص‌های خرد و کلان اقتصادی و بخش عرضه اقتصاد را در یک کشور ارتقاء دهد، لیکن از سویی دیگر، می‌تواند حضور موفق، فعال و رقابتی یک کشور را در بازارهای منطقه‌ای و بین‌المللی فراهم نموده و از این طریق، مسیر دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی را در یک کشور هموار نماید.

با این توصیف، از پیش‌نیاز بودن آزادی اقتصادی برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب در یک کشور، مروری بر فضای اقتصاد و سیاست جهان طی دو دهه اخیر، نشان می‌دهد با اوج‌گیری و افزایش تنش‌های سیاسی و اقتصادی همچون جنگ، ظهور داعش، وقوع بحران‌های مالی، کاهش ارزش سهام و عملکرد نامطلوب نظام اقتصاد سرمایه‌داری و افت و خیزهای حاصل از آن در بخش‌های حساسی از جهان همچون منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا و بروز اثرات نامطلوب اقتصادی و سیاسی حاصل از آن طی دو دهه اخیر، احتمالاً مقوله آزادی اقتصادی و شاخص‌های ارزیابی آن، از روند مطلوب و قابل قبولی برخوردار نبوده است، لذا با قبول این واقعیت که بهبود و ارتقاء وضعیت آزادی اقتصادی در یک کشور، می‌تواند با ایجاد پیوندی محکم در بخش‌های مختلف اقتصادی و سیاسی کشورهای جهان، زمینه‌ساز افزایش تعاملات و همکاری‌های اقتصادی و منطقه‌ای گردیده و روند دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب را سرعت بخشد.

در این پژوهش، هدف آن است تا تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی را در دو منطقه اقتصادی مهم جهان یعنی کشورهای منطقه خاورمیانه شامل ۲۰ کشور^۱ و کشورهای منطقه اتحادیه اروپا^۲ شامل ۲۸ کشور که دارای اهمیت استراتژیک در ثبات کلان اقتصادی و سیاسی جامعه بین‌الملل هستند را در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های

۱. شایان ذکر است هنوز اجماع کاملی در بین اندیشمندان حوزه‌های مختلف در مورد محدوده، قلمرو جغرافیایی، ترکیب و تعداد کشورهای منطقه خاورمیانه وجود ندارد؛ ولی به‌طور کلی، کشورهای این منطقه، عبارت‌اند از: ایران، اردن، فلسطین اشغالی، امارات متحده عربی، بحرین، ترکیه، سوریه، عراق، عربستان سعودی، عمان، قطر، کویت، لبنان، مصر، یمن، الجزایر، تونس، لیبی و مراکش.

۲. این منطقه، شامل کشورهای آلمان، اتریش، اسپانیا، استونی، اسلواکی، اسلونی، ایتالیا، ایرلند، بلژیک، بلغارستان، بریتانیا، جمهوری پرتغال، جمهوری چک، دانمارک، رومانی، سوئد، فرانسه، فنلاند، قبرس، کرواسی، لتونی، لوکزامبورگ، لهستان، لیتوانی، مالت، مجارستان، هلند و یونان می‌باشد.

تابلویی، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گیرد. مطالعه این دو منطقه از حیث وضعیت آزادی اقتصادی و رشد، می‌تواند زمینه‌ای برای بهبود سیاست‌گذاری در کشورهای مورد مطالعه از جمله جمهوری اسلامی ایران که نقشی بسیار مهم و اساسی در مناسبات اقتصادی و سیاسی منطقه خاورمیانه ایفا می‌کند را ارائه نماید.

در این راستا، مقاله حاضر در شش بخش تنظیم می‌گردد. پس از مقدمه، بخش دوم، به ذکر مبانی نظری موجود در این حوزه می‌پردازد. بخش سوم، خلاصه‌ای از مطالعات انجام‌شده مرتبط با موضوع تحقیق را به تصویر می‌کشد. بخش چهارم، به بیان روش انجام پژوهش حاضر می‌پردازد. بخش پنجم، به برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از آن، و در نهایت بخش پایانی، به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مجموع مطالب این مقاله اختصاص دارد.

۲. مبانی نظری

بررسی نظریه‌ها و مدل‌های رشد ارائه شده از دهه ۱۹۵۰ به بعد، نشان می‌دهد اقتصاددانان در مدل‌های اولیه رشد، با ثابت فرض کردن عواملی همچون تکنولوژی، ریشه و علل تفاوت در نرخ رشد اقتصادی کشورها را در نرخ پس‌انداز و رشد عوامل تولید (نیروی کار و سرمایه) جستجو کرده‌اند (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱). در این رابطه، می‌توان به مطالعات هارود و دومار^۱ که با ارائه اولین الگوی ساده رشد که در آن، تنها عوامل کار و سرمایه وجود داشته و پیشرفت تکنولوژی چندان مطرح نیست، اشاره کرد (دادگر، ۱۳۸۹: ۵۲۵). همچنین در ادامه، سولو و سوان^۲، با متغیر دانستن جانشینی نیروی کار و سرمایه و با کمک الگوی هارود-دومار، به طراحی اولین الگوی رشد نئوکلاسیک پرداخته و پس از آن، در فاصله سال‌های ۱۹۵۶ و ۱۹۷۰، اقتصاددانان به پالایش و توسعه الگوی رشد نئوکلاسیک تدوین شده از سوی سولو و سوان، مبادرت کرده‌اند (دادگر، ۱۳۸۹: ۵۲۵).

در دومین مرحله مطالعه عوامل تأثیرگذار بر رشد اقتصادی، اقتصاددانان سعی کردند با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگری همچون سرمایه انسانی، میزان توسعه‌یافتگی بخش مالی و ماهیت و کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، میزان پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱). با این وجود در این مسیر، به‌رغم اینکه تفاوت کارکرد فناوری در کشورها و مناطق مختلف در نظر گرفته شد، ولی بازهم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). در این رابطه، می‌توان به تحقیقات بارو^۳، استرلی و لوین^۴ که در آنها علی‌رغم اینکه طیف گسترده‌ای از متغیرها در آن کنترل شده، ولی

1. Harud & Dormar
2. Solo & Swan
3. Baro
4. Sterly & Levin

دلیل رشد اقتصادی اندک برخی کشورها و مناطق، همچنان بدون توضیح باقی‌مانده است، اشاره کرد.

در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیراقتصادی مؤثر بر رشد اقتصادی متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی به‌عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها با رشد اقتصادی وجود دارد (برومند و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۱). رنانی در این باره، معتقد است که برخلاف باورهای مرسوم که تحقق رشد اقتصادی را یا مستلزم دولتی شدن اقتصاد و یا بازاری شدن اقتصاد می‌دانند، اقتصاد نهادگرایی جدید، بر این باور است که اقتصاد باید ترکیب بهینه‌ای باشد از نهادهای بازاری و نا بازاری، یا با واژگان کلاسیک: ترکیبی از بازار، دولت و بنگاه؛ اما این مجموعه نهادها، باید به‌گونه‌ای ترکیب شوند که نه تنها هزینه مبادله (در قراردادهای خصوصی میان کارگزاران اقتصادی) و سواری مجانی (در تصمیمات جمعی) را حداقل سازند (که برای کارآیی تخصیصی بازار ضروری است)، بلکه دیگر شاخص‌های عملکرد اقتصاد (همچون آزادی، عدالت توزیعی، مروت و همدردی، امنیت و ...) را نیز بهبود بخشند (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۱-۱۲۰ به نقل از رنانی، ۱۳۷۶: ۱۶).

همچنین عاصم اوغلو و رابینسون^۱ در کتاب خود با عنوان «چرا کشورها سقوط می‌کنند: ریشه‌های قدرت، شکوفایی و فقر»، به این مسأله تأکید دارند که جوامع با کارکرد نامناسب، به دولتهایی ناموفق تبدیل می‌شوند، اما می‌توان در این باره کاری کرد. می‌توان دولتهایی با زیرساخت نظم و قانون داشت که مردم با اطمینان و آرامش به انجام کسب و کار پرداخته و به خدمات عمومی متکی باشند، اما اراده سیاسی برای این کار وجود نداشته و نیازی به وجود ارتش و نظامیان برای اجرای چنین طرح و برنامه‌هایی نیست، بلکه آنچه لازم است وجود یک نظام اداری کارا و توانمند است تا بنیان‌های نهادی بازارها را برپا سازد (شاه‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۲۰). بنابراین، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین پیش‌نیازها و بسترهای ضروری برای دستیابی به رشد اقتصادی مطلوب در یک کشور، وجود شرایط بهینه‌ای از حداقل‌های اقتصادی است که از آن، به عنوان آزادی اقتصادی نام برده می‌شود که در ادامه، به ارائه توضیحاتی پیرامون این مسأله پرداخته می‌شود.

۲-۱. آزادی اقتصادی

۲-۱-۱. مفهوم آزادی اقتصادی

علی‌رغم اینکه آزادی اقتصادی، یکی از اصول مهم در ارزیابی میزان توسعه یافتگی اقتصاد کشورها است (شاه‌آبادی و بهاری، ۱۳۹۳)، ولی با این وجود، مفهوم آزادی اقتصادی از قرن‌ها

1. Acemoglu & Robinson

پیش مورد مباحثه قرار گرفته، به نحوی که از قرن هیجدهم به بعد و ظهور عرصه‌های نوین اقتصادی، این بحث تشدید شده است. توجه به تعاریف و تفاسیر فراوانی که از آزادی وجود دارد، نشان می‌دهد آزادی به معنای وسیع آن، مقوله‌ای است که دارای مفاهیمی چندان روشن و شفاف نبوده، ولی آزادی اقتصادی تعریف نسبتاً دقیق و روشنی دارد (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰).

مطابق نظر فریدمن، آزادی اقتصادی تنها به معنی وجود یک بازار آزاد و یا حذف نیاز مردم به دولت نیست، بلکه از دید وی، وجود دولت، هم از نظر تعیین قواعد بازی و هم، به‌عنوان ناظر در زمینه تفسیر و اجرای قواعد تصمیم‌گیری شده ضروری است. آنچه بازار انجام می‌دهد، این است که طیف موضوعاتی را که باید در زمینه آنها تصمیم‌گیری شود، از طریق ابزار سیاسی، کاهش دهد و میزان مشارکت دولت در بازی را تا حد امکان به حداقل برساند (هیبتی، ۱۳۸۷: ۳۱).

در تعریفی، «آزادی اقتصادی، به معنای آزاد بودن افراد در دخل و تصرف، معاوضه، مبادله و واگذاری دارایی‌های شخصی‌شان است که از طریق قانونی به دست آورده‌اند». منظور از آزادی اقتصادی، داشتن حق اشتغال، انتخاب نوع شغل، محل، مدت و زمان اشتغال، حق مالکیت نسبت به درآمد و دارایی، حق افزودن به دارایی از راه مبادلات و دادوستد بازرگانی، حق مصرف و بهره‌برداری از درآمد و دارایی، مطابق تمایل و اراده مالک و بالاخره حق ارث بردن و ارث گذاردن دارایی‌ها می‌باشد (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۰ به نقل از دفتر همکاری حوزه و دانشگاه). همچنین بنیاد هریتیج^۱ آزادی اقتصادی را معیاری می‌داند که طبق آن، افراد آزادند به تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات بپردازند. لذا به عقیده طراحان شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، از آنجایی که آزادی به‌عنوان نبود الزام، فشار و یا محدودیت در انتخاب عمل است و اقتصاد مرتبط با تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات می‌باشد، از این رو، می‌توان آزادی اقتصادی را به‌صورت نبود تحمیل و یا محدودیت بر تولید، توزیع و مصرف کالاها و خدمات تعبیر کرد (جانسون و همکاران^۲، ۲۰۰۰: ۱۲۱).

در تعریف دیگری، آزادی اقتصادی، عبارت است از اینکه فرد در موقعیتی برای انتخاب روشی است که با آن خود را در کلیت جامعه ادغام کند (هارشبرگر^۳، ۲۰۰۲). همچنین بیچ و دریسکول^۴ نیز در تعریفی دیگر، آزاد اقتصادی را به چهار جز اصلی تقسیم می‌کنند: ۱- حقوق مرتبط با دارایی که به‌صورت قانونی کسب شده‌اند؛ ۲- آزادی شرکت در مبادلات داوطلبانه در داخل و خارج از مرزهای کشور؛ ۳- عدم کنترل‌های دولتی در حیطه

1. Heritage Foundation

2. Johnson *et al.*

3. Harshbarger

4. Beach & Driscoll

مبادلات افراد؛ ۴- در امان بودن دارایی‌های افراد از مصادره دولتی (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱).

بنابراین به‌طور کلی، آنچه از تعاریف فوق دریافت می‌شود، آن است که مقوله آزادی اقتصادی، چیزی جز تأکید بر محترم شمردن مالکیت فردی یا خصوصی نبوده و بنابراین، محدوده‌ای را که در آن، اقتصاد بر مبنای وجود شرایط بازار عمل می‌کند را مشخص می‌نماید. از این رو، افراد مالک دارایی‌های خود در امور مربوط به مصرف، مبادله و یا نگهداری بوده و هیچ مانعی همچون دولت، نمی‌باید فعالیت آنها را محدود نماید، به شرط آنکه این دارایی‌ها از طریق راه‌های غیرقانونی به دست نیامده باشد و از این طریق، مبادله نگردد. لذا در ارتباط با وظیفه دولت، هم در این رابطه می‌توان گفت که یکی از وظایف دولت، حفظ دارایی‌های افراد است، به نحوی که مداخله دولت بیش از حد نباشد و آزادی اقتصادی، محدود نگردد.

۲-۱-۲. شاخص‌های آزادی اقتصادی

در اغلب مطالعات تجربی برای کمی کردن و اندازه‌گیری آزادی اقتصادی کشورها، چند شاخص مختلف ارائه شده، که شاخص مؤسسه فریزر^۱ و بنیاد هریتیج از مهم‌ترین آنها است. هر یک از این شاخص‌ها، دربرگیرنده چند زیر شاخص است که هر یک از آن زیرشاخص‌ها نیز خود از مؤلفه‌های دیگری تشکیل شده‌اند (شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۸۳-۸۲).

در این پژوهش، با توجه به اینکه آمارهای کشورهای مورد مطالعه در دوره مورد نظر در بنیاد هریتیج کامل‌تر می‌باشد، لذا از آمارهای منتشر شده توسط این سازمان استفاده می‌گردد. شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، اولین بار در دهه ۱۹۸۰ مطرح شده و هدف از معرفی آن، بسط یک شاخص برای اندازه‌گیری تجربی سطح آزادی اقتصادی در کشورهای جهان بوده، و بدین منظور، مجموعه‌ای از معیارهای اقتصادی در نظر گرفته شده و از سال ۱۹۹۴ این معیار برای درجه‌بندی کشورهای مختلف در انتشار سالانه شاخص آزادی اقتصادی، مورد استفاده قرار گرفته است. تهیه‌کنندگان این شاخص، معتقدند که این شاخص، تنها فهرست تجربی امتیازات کشورها نبوده، بلکه تحلیلی دقیق از عواملی است که بیشترین نقش را در نهادینه کردن رشد اقتصادی دارند و بسیاری از نظریه‌های موجود درباره ریشه‌ها و عوامل توسعه اقتصادی در نتایج مطالعات لحاظ شده‌اند. برای مثال، در گزارش سال ۱۹۹۹ آمده است که کشورهایی که بیشترین آزادی اقتصادی را دارند، با داشتن بالاترین نرخ‌های رشد اقتصادی، موفق‌تر از کشورهای دیگر عمل کرده‌اند (متفکر آزاد و همکاران، ۱۳۹۲: ۸۱). همچنین شاخصی که برای اندازه‌گیری وضعیت آزادی اقتصادی توسط بنیاد هریتیج استفاده می‌شود،

به صورت میانگین ساده‌ای از ده شاخص دیگر محاسبه می‌شود. لذا این ده شاخص به کار برده شده توسط این مؤسسه به گونه‌ای انتخاب شده‌اند که، هم روابط و عملکرد خارجی کشورها و هم، عملکرد و وضعیت داخلی کشورها را مورد بررسی قرار دهند. در ادامه، به توضیح شاخص‌های ده‌گانه مورد استفاده بنیاد هریتیج، پرداخته می‌شود.

۱. آزادی کسب و کار: توانایی افراد در خلق، انجام و یا اتمام آسان و سریع یک فعالیت تجاری است؛ که در این مورد، قوانین و مقررات سنگین و اضافی، از مهم‌ترین موانع آزادی کسب و کار محسوب می‌شود.

۲. آزادی تجارت: که یک شاخص ترکیبی بوده و مستلزم نبود موانع و محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای است. وجود موانع و محدودیت‌های تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، باعث محدودیت صادرات و واردات کالاها و خدمات می‌گردد.

۳. آزادی مالی: این شاخص، دربرگیرنده هزینه‌های دولت از بخش درآمدی آن بوده و همچنین هزینه‌های مالیاتی را برحسب بالاترین نرخ مالیات بر درآمد و هم، کل مالیات را به صورت بخشی از GNP در نظر می‌گیرد.

۴. مخارج دولتی: این شاخص، دربرگیرنده همه مخارج دولت از قبیل مخارج مصرفی، پرداخت‌های انتقالی و بنگاه‌های دولتی است. در یک حالت ایده آل، یک دولت باید کالاهای عمومی را با دخالت در اقتصاد تولید کند.

۵. آزادی پولی: که شاخصی برای اندازه‌گیری ثبات قیمت‌ها می‌باشد. وجود تورم و کنترل قیمت‌ها در اقتصاد، باعث اخلال در عملکرد بازار می‌شود. ثبات قیمت‌ها و عدم دخالت در اقتصاد، برای بازار آزاد ضروری است.

۶. آزادی سرمایه‌گذاری: شاخصی برای ارزیابی جریان آزاد سرمایه در اقتصاد بوده و این شاخص به‌طور خاص، دربرگیرنده جریان آزاد سرمایه‌گذاری خارجی است.

۷. آزادی بازار مالی: شاخصی برای اندازه‌گیری میزان استقلال بانک‌ها از دولت است. مالکیت دولت بر بانک‌ها و مؤسسات مالی دیگر همچون بیمه و بازار سرمایه، باعث کاهش کارایی این مؤسسات می‌شود و در بازار سرمایه آزاد، جایی ندارد.

۸. حقوق مالکیت: به معنای توانایی افراد در انباشت دارایی خصوصی است و به‌وسیله قوانین روشنی که توسط دولت وضع می‌گردد، حمایت می‌شود.

۹. آزادی از فساد: بنای این شاخص بر مبنای داده‌های کمی بوده و میزان فساد در محیط اقتصادی و کسب و کار را اندازه‌گیری می‌کند و شامل فساد مربوط به قوانین دولتی، فساد اداری و فساد قضایی است.

۱۰. آزادی نیروی کار: این شاخص، میزان آزادی نیروی کار همچون آزادی کارگران و بنگاه‌ها را در تعامل باهم و در شرایطی که دخالت دولت وجود ندارد، بررسی می‌کند. درنهایت، با محاسبه میانگین وزنی به‌دست‌آمده از ده متغیر اصلی مختلف، شاخص آزادی اقتصادی برای

هر کشور به دست می‌آید که مقدار آن، بین صفر تا صد تعیین شده است، و هرچه این عدد بزرگ‌تر و به صد نزدیک‌تر باشد، نشان از وجود آزادی اقتصادی بیشتر در آن کشور دارد. در گزارش‌های منتشره توسط بنیاد هریتیج، کشورها از نظر آزادی اقتصادی، به پنج سطح زیر دسته‌بندی می‌شوند. در جدول شماره (۱) رتبه‌بندی کشورها از لحاظ آزادی اقتصادی آورده شده است.

جدول ۱. رتبه‌بندی کشورها از لحاظ آزادی اقتصادی

| کشور از لحاظ اقتصادی | امتیاز |
|------------------------|-------------------|
| اقتصاد کاملاً آزاد | امتیاز ۸۰ تا ۱۰۰ |
| اقتصاد عمدتاً آزاد | امتیاز ۷۰ تا ۸۰ |
| اقتصاد تقریباً آزاد | امتیاز ۶۰ تا ۷۰ |
| اقتصاد تقریباً غیرآزاد | امتیاز ۵۰ تا ۶۰ |
| اقتصاد سرکوب‌شده | امتیاز کمتر از ۵۰ |

ماخذ: The Heritage Foundation (2018)

۲-۲. تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی

آزادی اقتصادی، تأثیرات شگرفی بر متغیرهای کلان اقتصادی همچون رشد اقتصادی دارد؛ به طوری که می‌توان ادعا کرد که راز پیشرفت‌های عظیمی که جهان در طول دو قرن اخیر شاهد آن بوده، آزادی اقتصادی و اجزاء مرتبط به آن، مانند آزادی تجارت است (بابکی و سلیمی فر، ۱۳۹۳: ۱۲۸). به طور کلی، چهار دلیل عمده برای آنکه آزادی اقتصادی منجر به رشد اقتصادی بیشتر می‌شود، عبارت‌اند از:

۱. وجود امنیت برای حقوق مالکیت و همچنین پایین بودن مالیات‌ها، سبب می‌شود تا افراد به کارهایی اقدام نمایند که کارا تر باشد، از این رو، افزایش کارایی، به رشد اقتصادی بیشتر منجر خواهد شد.

۲. آزادی بیشتر در مبادلات، موجب توسعه فنون و افزایش تخصصی شدن و بازده اقتصادی می‌گردد، بنابراین، توسعه فنون و بازده اقتصادی، به افزایش رشد اقتصادی منجر خواهد شد.

۳. آزادی ورود و رقابت در بازارها، به افزایش کارایی و سود بیشتر منجر می‌شود و منابع به سوی فعالیت‌هایی که بیشترین عملکرد را دارند، هدایت می‌گردد.

۴. هنگامی که آزادی اقتصادی وجود دارد، تشکیلات تجاری و نیز اقتصاد، به کشف‌های جدید در مدیریت اقتصادی و بهبود تکنولوژی و شیوه‌های بهتر تولید تشویق می‌گردد، لذا فرصت‌هایی که قبلاً مورد چشم‌پوشی واقع می‌شدند، به منابع اصلی برای رشد اقتصادی تبدیل می‌شدند (مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد، ۱۳۸۲: ۲۵-۲۳؛ شهنازی، ۱۳۸۴: ۳۶). لذا از لحاظ نظری، انتظار می‌رود که آزادی اقتصادی بیشتر، به رشد اقتصادی بیشتر منجر گردد. به عبارتی،

انتظار می‌رود آزادی اقتصادی، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی داشته باشد. علاوه بر این، آزادی اقتصادی همانند سایر متغیرهای اقتصادی، از چند طریق می‌تواند بر رشد اقتصادی تأثیر بگذارد.

یکی از پیامدهای آزادی اقتصادی، کوچک شدن حجم دولت است. از آنجاکه تولیدات دولتی غالباً از طریق روش‌های غیرکارا به دست می‌آیند، با ورود بخش خصوصی و کاهش هزینه‌ها و همچنین ارتقاء کالاها و خدمات در بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی، حجم دولت در موارد غیرضروری کاهش می‌یابد. کوچک شدن دولت، هزینه‌های توزیعی و تخصیصی عظیمی را که دولت متحمل می‌شود، کاهش داده و موجب کاهش کسری بودجه دولت می‌شود. به‌علاوه، ورود دولت به فعالیت‌های غیرضروری، موجب درگیر شدن قسمت عظیمی از منابع و مدیریت دولتی در این بخش‌ها شده و موجب کاهش تمرکز و کیفیت نظارت دولت بر بخش‌های اقتصادی می‌گردد. حال آنکه آزادی اقتصادی و کاهش مداخلات غیرضروری دولت، از این طریق نیز به شکوفایی بخش خصوصی و لذا بهتر شدن عملکرد اقتصادی این بخش می‌انجامد (شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۸۲، به نقل از کارلسون و لوندستروم^۱، ۲۰۰۱؛ آشبی و سوبل^۲، ۲۰۰۸ و آشبی و همکاران^۳، ۲۰۱۰).

علاوه بر این، آزادی اقتصادی با کاهش زمینه‌های تورم و افزایش ثبات اقتصادی، ریسک سرمایه‌گذاری را کم کرده و امنیت سرمایه را بالا می‌برد و موجب افزایش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی می‌شود. افزایش سرمایه‌گذاری نیز با فراهم کردن منابع مالی برای تولید، به تولید ناخالص داخلی کمک می‌نماید. همچنین آزادی اقتصادی با گسترش فضای رقابتی، به تخصیص بهینه منابع تولیدی کمک کرده و با افزایش بهره‌وری، به ارتقا توان رقابت‌پذیری بنگاه‌ها و کشورها کمک شایانی می‌کند (شاه‌آبادی و صادقی، ۱۳۹۴: ۸۴، به نقل از بهکیش، ۱۳۸۹).

۳. پیشینه تحقیق

۳-۱. مطالعات خارجی

داکولیباس و اولوباس اوغلو^۴ (۲۰۰۶) در مقاله‌ای، به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ۸۲ کشور در دوره زمانی ۱۹۷۰-۱۹۹۹ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مقاله، بیانگر آن است که یک رابطه مثبت و مستقیم میان آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی وجود دارد. همچنین آزادی اقتصادی از طریق تأثیر بر تشکیل سرمایه فیزیکی، به‌صورت غیرمستقیم، تأثیرگذاری مثبت بر رشد اقتصادی دارد.

1. Carlsson & Lundstrom
2. Ashby & Sobel
3. Ashby *et al.*
4. Doucouliagos & Ulubasoglu

هن^۱ (۲۰۱۰) در مطالعه‌ای، به بررسی روند رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای چین و ویتنام پرداخته است. در اولین بخش این مطالعه، محقق به صورت نظری، اجرای آزادی اقتصادی به مدت دو دهه و اثر مثبت آن بر رشد اقتصادی و افزایش سطح زندگی مردم در این دو کشور را بررسی و تحلیل نموده و در بخش دوم، به تبیین رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در قالب یک مدل رگرسیونی پرداخته و رابطه مستقیم و مثبتی را بین این دو تأیید کرده است.

آیسن و ویگا^۲ (۲۰۱۱)، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی ۱۶۹ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۶۰ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان می‌دهد که درجه بالایی از بی‌ثباتی سیاسی با رشد اقتصادی توأم بوده و از طریق کاهش بهره‌وری، سبب کند شدن نرخ رشد اقتصادی می‌گردد. آنها همچنین بیان می‌دارند که شاخص‌هایی همچون آزادی اقتصادی، سرمایه‌گذاری، نرخ ثبت‌نام ابتدایی، ساختار قضایی و امنیت حقوق مالکیت، رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی دارند.

گورگل و لچ^۳ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای، به بررسی ساختار رابطه علی بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در ده کشور منتخب اتحادیه اروپا در دوره زمانی ۲۰۰۹-۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد اگرچه آزادی اقتصادی یکی از فاکتورهای مهم و اثرگذار بر رشد اقتصادی می‌باشد، اما رشد اقتصادی، تأثیر کمتری در آزادی اقتصادی دارد.

سبول^۴ (۲۰۱۱) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر ۱۰ شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج و شاخص ثبات سیاسی بر رشد اقتصادی در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۵ در دوره زمانی ۲۰۰۷-۲۰۰۳ با استفاده از روش داده‌های تابلویی، پرداخته است. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان می‌دهد شاخص‌های ده‌گانه بنیاد هریتیج، تأثیر مثبتی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به عنوان معیار برآورد کننده رشد اقتصادی گذاشته، همچنین ثبات سیاسی نیز تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه داشته است.

هریستوا^۶ (۲۰۱۲) در پژوهشی، به بررسی تعیین جهت علیت میان آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در ۹۱ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۵ پرداخته است. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که جهت علیت میان آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی پیچیده و چندبعدی بوده و شاخص‌های مختلف آزادی اقتصادی، روابط مختلفی با رشد اقتصادی دارند.

-
1. Hanh
 2. Aisen & Veiga
 3. Gurgul & Lach
 4. Cebula
 5. Organisation for Economic Co-operation and Development
 6. Hristova

کلیچ و اریکا^۱ (۲۰۱۴) در پژوهشی، با استفاده از شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی و نرخ تورم بر رشد اقتصادی ۲۳ کشور با درآمد متوسط به بالا در دوره زمانی ۲۰۱۰-۱۹۹۵ با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که آزادی اقتصادی، تأثیر مثبت و مستقیم، اما نرخ تورم، تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در کشورهای مورد مطالعه داشته است. همچنین بررسی مؤلفه‌های ده‌گانه شاخص آزادی اقتصادی، به صورت جداگانه، نشانگر آن بوده که از بین این مؤلفه‌ها، اندازه دولت و آزادی تجارت، مؤلفه‌های معنی‌داری بر رشد اقتصادی نبوده، اما بقیه مؤلفه‌ها به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای بر رشد اقتصادی تأثیرگذار بوده‌اند.

ارشاد حسین و هگ^۲ (۲۰۱۶) در مقاله‌ای، با استفاده از شاخص آزادی اقتصادی بنیاد هریتیج و عوامل نهادی دیگر، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در دو گروه از کشورها با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته‌اند. گروه اول شامل ۱۸۶ کشور بوده که در دوره زمانی ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ مورد بررسی قرار گرفته و نتایج تحقیق، نشان از تأثیر مهم عوامل نهادی در رشد اقتصادی این کشورها است. گروه دوم نیز شامل ۵۷ کشور در بازه زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۴ بوده که نمایانگر تأثیر مثبت شاخص آزادی اقتصادی و عوامل نهادی بر رشد تولید ناخالص داخلی سرانه به‌عنوان معیار برآوردی رشد اقتصادی است.

اسندولوی و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در مطالعه‌ای، به مدل‌سازی رشد اقتصادی مبتنی بر آزادی اقتصادی و پیشرفت اجتماعی در کشورهای عضو اتحادیه اروپا با بررسی شدت روابط بین شاخص‌های مذکور با استفاده از روش توصیفی و مدل رگرسیون چندگانه پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان می‌دهد که علت تفاوت در تولید ناخالص داخلی سرانه کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به دوره زمانی به عضویت درآمدن آنها در اتحادیه اروپا بستگی دارد که این عضویت، به نوعی فراهم‌کننده آزادی اقتصادی بیشتر در این گروه از کشورها بوده است.

ادلوند^۴ (۲۰۱۷) در مطالعه‌ای، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۴۸ کشور با درآمد متوسط در دوره زمانی ۲۰۱۴-۲۰۰۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج تحقیق وی، نشان می‌دهد آزادی اقتصادی، یک عامل مهم برای رشد اقتصادی بوده، اما میزان تأثیرگذاری مؤلفه‌های آزادی اقتصادی بر نرخ رشد اقتصادی، با یکدیگر متفاوت است. همچنین میزان تأثیرگذاری آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در کشورهایی که درآمد بالاتر از متوسط دارند، با کشورهایی که درآمد پایین‌تر از متوسط دارند، با یکدیگر برابر نیست.

1. Kilich & Arica
2. Ershad Hussain & Haque
3. Asandului *et al.*
4. Edlund

۲-۳. مطالعات داخلی

سامتی و همکاران (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی (با رهیافت پانل دیتا) در چارچوب روش‌شناسی لاکاتوس^۱ و با بهره‌گیری از مدل اسکیتون^۲»، به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه پرداخته و با استفاده از دو مدل که از ترکیب مدل‌های کارلسون و لاند استروم^۳ و مدل داده‌های تلفیقی پویای وینهلد^۴ به دست آمده‌اند، به بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی طی سال‌های ۲۰۰۳-۱۹۸۰ در ۸۷ کشور به طور کلی و به تفکیک در کشورهای کم درآمد، با درآمد متوسط (شامل ایران) و پردرآمد پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این پژوهش، حاکی از اثر مثبت آزادی اقتصادی بر سطح درآمد سرانه و رشد اقتصادی کل نمونه است. از بین اجزای آزادی اقتصادی، استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت، پول سالم، ضوابط و قوانین مربوط به بازار کار، اعتبار و کسب و کار بیشترین اثر را بر درآمد سرانه دارند. همچنین از بین اجزای آزادی اقتصادی استقلال قضایی و امنیت حقوق مالکیت و ضوابط و قوانین مربوط به بازار کار، اعتبار و کسب و کار، بیشترین اثر را بر رشد اقتصادی دارند.

نادری و شربت اوغلی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها»، به بررسی رابطه بین رفتار عوامل اقتصادی و رشد اقتصادی در ۱۱۰ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۹ پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه، بیانگر آن است که یک ارتباط قوی و مثبت بین آزادی اقتصادی و افزایش سطح تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای مورد مطالعه وجود دارد.

خادمی اردکانی (۱۳۸۶) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی»، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۱۱۳ کشور در دوره زمانی ۲۰۰۴-۱۹۹۵ با استفاده از روش رگرسیون داده‌های تابلویی پرداخته است. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان می‌دهد که نرخ رشد اقتصادی، رابطه‌ای مثبت با تغییرات در شاخص آزادی اقتصادی دارد، اما سطح آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، اثر منفی داشته است. همچنین نتایج به دست آمده، نشانگر آن است که تورم، ارزش تورم سال گذشته، مخارج دولت، نرخ رشد جمعیت و واردات کالاها و خدمات، با رشد اقتصادی، رابطه‌ای معکوس داشته و متغیرهای سرمایه‌گذاری، نرخ رشد جمعیت فعال و تجارت، بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت داشته‌اند.

رزمی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی»، به بررسی و شناسایی مسیرهای اثرگذاری آزادی اقتصادی

-
1. Lakatos
 2. Skipton
 3. Carlsson & Lundstrom
 4. Weinhold

بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا و روش‌شناسی لاکاتوشی با استفاده از مدل پویای وینهلد و مدل کارلسون و لاندستروم در یک نمونه ۵۷ کشوری در دوره زمانی ۲۰۰۰-۲۰۰۶ پرداخته‌اند. در این پژوهش، برای بررسی بهتر تأثیر نهادها بر روی رابطه بین آزادی و رشد، کشورها به سه دسته کشورهای باکیفیت نهادی بالا، متوسط و پایین طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان‌دهنده رابطه مثبت آزادی و رشد اقتصادی با توجه به کارایی نهادهای موجود در هر جامعه است.

پاداش و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان «تبیین رشد اقتصادی ایران با رویکرد نهادی: نقش آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و فساد بر رشد اقتصادی ایران»، به بررسی و ارزیابی محیط نهادی در ایران از منظر شاخص‌های بانک جهانی و بنیاد هریتیج با استفاده از چند مدل رگرسیونی مبتنی بر داده‌های مقطعی پرداخته‌اند. نتایج رگرسیون‌های برآورد شده، حاکی از آن است که نهادها در رشد اقتصادی ایران موضوعیت دارند.

شاه‌آبادی و بهاری (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه‌یافته و در حال توسعه»، به بررسی تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب در دوره زمانی ۲۰۱۲-۱۹۹۶ با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته برای داده‌های پانل پویا پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این مطالعه، نشان از اثر مثبت و معنادار هر دو متغیر شاخص ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در هر دو گروه از کشورهای مورد مطالعه دارد.

بابکی و سلیمی فر (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای، به بررسی نقش محیط کسب‌وکار و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی در ۳۰ کشور منتخب در دوره زمانی ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۳ با استفاده از روش داده‌های تابلویی، پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که محیط کسب‌وکار و آزادی اقتصادی، تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. همچنین، نتایج حاصل از آزمون برابری دو ضریب، نشان می‌دهد که اثرگذاری آزادی اقتصادی نسبت به محیط کسب‌وکار بر رشد اقتصادی، بیشتر است.

درخشان فر (۱۳۹۳) در پایان‌نامه خود با عنوان «رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای منا»، به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منا با استفاده از روش گشتاورهای تعمیم‌یافته^۱ پرداخته و به این نتیجه رسیده است که در کشورهای منتخب حوزه منا، اثر شاخص کل آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، منفی و معنادار است، که منفی بودن تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، می‌تواند ناشی از وابستگی بیش‌ازحد این کشورها به درآمدهای حاصل از نفت باشد که موجب ناکارایی اقتصادی در این گروه از کشورها شده است.

خداپرست مشهدی و همکاران (۱۳۹۳) در مقاله‌ای با عنوان «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران در چارچوب الگوی خود توضیح با وقفه‌های گسترده^۱»، به بررسی تأثیر دو متغیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران پرداخته‌اند. نتایج حاصل از این تحقیق، نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران، تأثیر مثبت و معناداری داشته و در این خصوص، آزادی اقتصادی نسبت به سرمایه اجتماعی، تأثیر بیشتری بر رشد اقتصادی ایران دارد.

امیری و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای، به بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی در کشورهای منطقه در دوره زمانی ۱۳۹۶-۱۳۸۰ با استفاده از روش داده‌های تابلویی، پرداخته‌اند. نتایج تجربی به دست آمده از این مطالعه، نشان می‌دهد که سطح آزادی اقتصادی، تورم و شاخص اقتصاد مقاومتی بر رشد اقتصادی، اثر مثبت و معنادار داشته، اما نرخ اشتغال، اثر منفی بر آزادی اقتصادی دارد و دلیل این رابطه معکوس نیز وجود مشاغل کاذب و خدماتی است که طی چند سال گذشته در اقتصاد ایران، رشد کرده‌اند.

۴. روش انجام پژوهش و معرفی مدل و متغیرها

همان‌گونه که در بخش مقدمه نیز بدان اشاره شد، در این پژوهش، سعی شده است تا تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا با استفاده از روش رگرسیونی داده‌های تابلویی^۲ در دوره زمانی ۲۰۱۷-۲۰۰۰ مورد بررسی و مقایسه قرار گیرد؛ بنابراین تحقیق حاضر، از نظر هدف، کاربردی بوده و رویکرد این مطالعه، یک روش تحلیلی-استنباطی است. لذا با توجه به مباحث مطرح شده در بخش مبانی نظری و با عنایت به مدل‌های مورد استفاده در پژوهش‌های پیشین، مدل اصلی مورد استفاده در این پژوهش، به شرح زیر تصریح گردیده است.

$$\text{Growth}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{Population}_{it} + \beta_2 \text{Labor}_{it} + \beta_3 \text{Capital}_{it} + \beta_4 \text{Inflation}_{it} + \beta_5 \text{Fdi}_{it} + \beta_6 \text{Export}_{it} + \beta_7 \text{Economic Freedom}_{it} + \varepsilon_{it}$$

1. Autoregressive Distributed Lag

۲. در مطالعه حاضر، از روش داده‌های تابلویی نامتوازن استفاده شده است. در این خصوص، می‌باید گفت که به‌طور کلی، روش داده‌های تابلویی به دو صورت متوازن و نامتوازن است. در روش متوازن، مشاهدات برای تمام مقاطع و برای کل دوره زمانی در دسترس هستند، اما در روش نامتوازن، برخی از مشاهدات در دسترس نبوده و از دست رفته‌اند. به همین منظور، می‌توان گفت در مجموعه بزرگی از داده‌ها، احتمال از دست رفتن برخی از داده‌ها وجود دارد. بنابراین، استفاده از روش تابلویی نامتوازن، بسیار معمول است. در مورد برآورد مدل نیز می‌توان گفت که بیشتر دستورات نرم‌افزارهای استاتا و ایویوز برای مدل‌های پانل دیتای نامتوازن تخمین زنده‌های بدون تورش ایجاد می‌کنند. برای مطالعه بیشتر در این زمینه، به مقاله بالتاجی (Baltagi, 2010) که در بخش فهرست منابع این پژوهش آورده شده است، مراجعه شود.

که در آن، Growth: نرخ رشد اقتصادی سالانه، Population: نرخ رشد جمعیت، Labor: نرخ رشد (مشارکت) نیروی کار، Capital: نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت، Inflation: نرخ تورم، FDI: نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی، Export: نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی، Economic Freedom: شاخص آزادی اقتصادی، ϵ_{it} : جز اخلاص و اندیس‌های i و t نماد کشور و سال می‌باشند. داده‌های مربوط به نرخ رشد اقتصادی، نرخ رشد جمعیت، نرخ رشد (مشارکت) نیروی کار، نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت، نرخ تورم، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی، از آمار منتشرشده بانک جهانی^۱ و داده‌های مربوط به شاخص آزادی اقتصادی، از اطلاعات منتشره شده توسط بنیاد هریتیج استخراج گردیده است.

۵. برآورد مدل و تجزیه و تحلیل نتایج

۵-۱. آزمون مانایی متغیرها

یکی از پیش‌شرط‌های مهم و اساسی در برآورد الگوهای اقتصادی که دارای سری‌های زمانی هستند، وجود ایستایی یا به عبارتی، نبود ریشه واحد^۲ است. متغیر ایستا، متغیری است که میانگین، واریانس و ضرایب خودهمبستگی‌اش با گذشت زمان ثابت بماند. داده‌های تابلویی نیز با دارا بودن متغیرهای سری زمانی، از این قاعده مستثنی نبوده و بر اساس ادبیات اقتصادسنجی داده‌های تابلویی، قبل از تخمین مدل، لازم است، ابتدا به بررسی مانایی متغیرها پرداخته و سپس در صورت مانا بودن متغیرها، به برآورد مدل اقدام شود. برای انجام آزمون ریشه واحد در داده‌های تابلویی، می‌توان از دو روش آزمون ریشه واحد مشترک و آزمون ریشه واحد مقطعی استفاده کرد.

لین، لوین و چو^۳ (۲۰۰۲)، نشان داده‌اند که استفاده از آزمون ریشه واحد مشترک، دارای قدرت تحلیلی قوی‌تری نسبت به استفاده از آزمون ریشه واحد مقطعی است. لذا در این مطالعه برای بررسی مانایی متغیرها، از آزمون لین، لوین و چو استفاده می‌شود. نتایج مانایی متغیرها در سطح (با عرض از مبدأ و روند) بر اساس آماره لین، لوین و چو برای کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، به ترتیب، در جدول‌های شماره (۲) و (۳) ارائه شده است.

1. World Bank
2. Unit Root
3. Levin - Lin - Chu

جدول ۲. بررسی مانایی متغیرهای مدل در سطح (با عرض از مبدأ و روند) برای منطقه خاورمیانه

| نام متغیر | مقدار آماره | سطح معناداری | نتیجه |
|-------------|-------------|--------------|--------------|
| Growth | -۱۲/۱۲ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Population | -۳/۲۵ | ۰/۰۰۰۶ | متغیر ماناست |
| Labor | -۴/۸ | ۰/۰۰۳۱ | متغیر ماناست |
| Capital | -۸/۵۳ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Inflation | -۵/۲۱ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Fdi | -۳/۰۰ | ۰/۰۰۱۳ | متغیر ماناست |
| Export | -۲/۴۳ | ۰/۰۰۷۴ | متغیر ماناست |
| Eco Freedom | -۱/۸۴ | ۰/۰۳۲۴ | متغیر ماناست |

مأخذ: محاسبات تحقیق

جدول ۳. بررسی مانایی متغیرهای مدل در سطح (با عرض از مبدأ و روند) برای منطقه اتحادیه اروپا

| نام متغیر | مقدار آماره | سطح معناداری | نتیجه |
|-------------|-------------|--------------|--------------|
| Growth | -۹/۵ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Population | -۴/۰۹ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Labor | -۲/۵۶ | ۰/۰۰۵۲ | متغیر ماناست |
| Capital | -۱۰/۳۲ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Inflation | -۱۰/۲ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Fdi | -۱۰/۲۱ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |
| Export | -۲/۴۴ | ۰/۰۰۷۳ | متغیر ماناست |
| Eco Freedom | -۶/۰۷ | ۰/۰۰۰۰ | متغیر ماناست |

مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که نتایج جداول (۲) و (۳) نشان می‌دهد، تمامی متغیرهای مدل در سطح معنی‌دار بوده و در نتیجه، تخمین مدل بر اساس این نتایج، کاملاً قابل اتکا است.

۲-۵. نتایج تخمین مدل پژوهش

پس از انجام آزمون ریشه واحد و مشخص شدن اینکه متغیرهای مورد استفاده در مدل مانا هستند، می‌باید با استفاده از آزمون F لیمر، بررسی شود که آیا تفاوت کشوری یا به اصطلاح ناهمگنی در مقاطع وجود دارد یا اینکه مقطع‌ها با هم همگن هستند؟ فرضیه صفر آزمون F لیمر مبتنی بر همگن بودن مقاطع (پولینگ دیتا^۱ بودن داده‌های آماری) است. چنانچه فرضیه صفر رد شود، فرضیه مقابل آن مبتنی بر وجود ناهمگنی بین مقاطع (پانل دیتا بودن داده‌های آماری)، پذیرفته می‌شود. به عبارت دیگر، به لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$H_0 = a_0 = a_1 = \dots = a_n = a$$

$$H_1 = a_i = a_j \quad i \neq j$$

1. Pooling Data

آماره آزمون F لیمر نیز به صورت زیر می‌باشد:

$$F_{(N-1, NT-N-K)} = \frac{(R_{UR}^2 - R_R^2)/(N-1)}{(1 - R_{UR}^2)/(NT - N - K)}$$

در آزمون بالا، R_R^2 ضریب تعیین حاصل از مدل مقید (روش حداقل مربعات معمولی) و R_{UR}^2 ضریب تعیین حاصل از مدل نامقید (روش داده‌های تابلویی)، و همچنین N تعداد کشورها، K تعداد متغیرهای توضیحی و T تعداد مشاهدات در طول زمان است. در جدول شماره (۴)، مقدار F محاسبه شده و سطح احتمال آن برای دو گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، آورده شده است.

جدول ۴. نتایج آزمون F لیمر برای بررسی مدل‌های تلفیقی و پانل

| سطح احتمال | آماره F | آزمون F لیمر مناطق |
|------------|---------|-------------------------|
| ۰/۰۱۵۶ | ۲/۰۶۹ | کشورهای منطقه خاورمیانه |
| ۰/۰۰۰۰ | ۳/۶۱۱ | کشورهای اتحادیه اروپا |

مأخذ: محاسبات تحقیق

با توجه به مقادیر آماره F برای کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا و همچنین سطح احتمال محاسبه شده، اثرات گروهی در بین کشورها پذیرفته شده و لذا می‌باید در برآورد مدل، عرض از مبدأهای مختلف و ناهمگنی میان گروهی را لحاظ نموده و یا به عبارت دیگر، از روش داده‌های تابلویی در هر دو منطقه استفاده نمود. بعد از تأیید روش داده‌های تابلویی، باید مشخص شود که خطای تخمین، ناشی از تغییر در مقاطع بوده و یا اینکه در طی زمان رخ داده است. با نظر گرفتن چنین خطاهایی، با دو اثر ثابت و اثر تصادفی مواجه هستیم؛ که برای انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی، از آزمون هاسمن استفاده می‌کنیم. در آزمون هاسمن، فرضیه صفر مبتنی بر این است که بین اجزای اخلاص و متغیرهای توضیحی، همبستگی وجود ندارد که در صورت رد این فرضیه، مدل اثرات ثابت انتخاب می‌شود. آماره آزمون هاسمن (H) دارای توزیع χ^2 با درجه آزادی K است. به عبارت دیگر، به لحاظ آزمون آماری خواهیم داشت:

$$H_0 = E(u_{it}/x_{it}) = 0$$

$$H_1 = E(u_{it}/x_{it}) \neq 0$$

آماره این آزمون نیز به صورت زیر محاسبه می‌شود.

$$H = \frac{\hat{\beta}_{FE} - \hat{\beta}_{RE(GLS)}}{VAR(\hat{\beta}_{FE}) - VAR(\hat{\beta}_{RE(GLS)})}$$

در جدول شماره (۵)، نتایج آزمون هاسمن برای دو گروه کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا ارائه شده است.

جدول ۵. نتایج آزمون هاسمن برای کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا

| سطح احتمال | آماره هاسمن | آزمون هاسمن مناطق |
|------------|-------------|-------------------------|
| ۰/۰۰۴۶ | ۲۰/۴۷ | کشورهای منطقه خاورمیانه |
| ۰/۰۰۰۰ | ۳۲/۶۴ | کشورهای اتحادیه اروپا |

مأخذ: محاسبات تحقیق

همان‌طور که در جدول شماره (۵) نشان داده شده، با توجه به اینکه سطح احتمال آزمون در هر دو گروه از کشورها، کمتر از ۰/۰۵ است، لذا فرضیه صفر آزمون، رد شده و می‌باید در تخمین مدل، از روش اثرات ثابت در هر دو گروه از کشورها استفاده کرد.

۱-۲-۵. آزمون واریانس ناهمسانی

در برآورد مدل پژوهش با استفاده روش رگرسیونی داده‌های تابلویی با توجه به اینکه داده‌های مورد مطالعه، ترکیبی از داده‌های سری زمانی و مقطعی است، مشکلات مربوط به خود همبستگی و واریانس ناهمسانی در مدل پیش می‌آید. در این خصوص، می‌توان گفت که اصولاً خود همبستگی، مشکل مربوط به داده‌های سری زمانی و واریانس ناهمسانی، مشکل خاص داده‌های مقطعی است که این مشکلات در داده‌های ترکیبی، پیچیده تر می‌شوند. در یک تقسیم بندی کلی، می‌توان گفت هنگامی که سری زمانی مورد مطالعه، طولانی و واحدهای مقطعی محدود باشد، باید به مشکل خود همبستگی، بیشتر توجه داشت و در شرایطی که سری زمانی دوره مورد مطالعه، محدود و واحدهای مقطعی متعدد باشد، احتمال بیشتری در وجود ناهمسانی واریانس بین گروهی وجود دارد. بنابراین در این پژوهش، از آنجایی که سری زمانی مورد مطالعه، کمتر از مقاطع دو گروه (منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا) است، انجام آزمون برای اطمینان از عدم وجود واریانس ناهمسانی، الزامی است. لذا با توجه به تأثیر مهم واریانس ناهمسانی بر برآورد انحراف معیار ضرایب و مسأله استنباط آماری، لازم است قبل از تخمین مدل نهایی، آزمون برابری واریانس‌ها در مورد داده‌های هر دو مدل مورد مطالعه، صورت پذیرد که در این مطالعه، برای آزمون ناهمسانی واریانس، از آزمون والد^۱ استفاده

1. Wald Test

می‌شود. در جدول شماره (۶)، نتایج حاصل از آزمون واریانس ناهمسانی برای کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا نشان داده شده است.^۱

جدول ۶. نتایج آزمون واریانس ناهمسانی

| سطح احتمال | آماره آزمون | آزمون واریانس ناهمسانی |
|------------|-------------|-------------------------|
| | | مناطق |
| ۰/۰۰۰۰ | ۳۲۵/۶۱ | کشورهای منطقه خاورمیانه |
| ۰/۰۰۰۰ | ۲۵۸۹/۲۱ | کشورهای اتحادیه اروپا |

مأخذ: یافته‌های تحقیق

جدول شماره (۶)، نشان دهنده آن است که میزان احتمال به‌دست آمده برای کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، کمتر از ۰/۰۵ بوده که نشان دهنده وجود واریانس ناهمسانی در مدل‌های مورد تخمین می‌باشد. از آنجایی که یکی از روشهای رفع مشکل ناهمسانی واریانس، برآورد مدل با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته^۲ (GLS) است، لذا در این مطالعه برای تخمین مدل نهایی، از این روش استفاده گردیده که در این حالت، مشکل خودهمبستگی مدل نیز در صورت وجود رفع می‌گردد.

۲-۲-۵. تخمین نهایی مدل‌های پژوهش

جدول شماره (۷)، نتایج حاصل از تخمین مدل پژوهش برای هر دو منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا را نشان می‌دهد. از آنجا که مقدار احتمال آماره χ^2 در هر دو منطقه، کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین معنی‌دار بودن مدل پژوهش در هر دو منطقه مورد بررسی، تأیید می‌شود. همچنین نتایج حاصل از برآورد مدل با استفاده از روش GLS، نشان دهنده آن است که علامت تمامی متغیرهای مورد استفاده در مدل در هر دو منطقه، با انتظارات تئوریک سازگار و از نظر آماری معنادار است.

از سویی، با توجه به نتایج حاصله می‌توان استدلال نمود که هرچه ضریب یک متغیر توضیحی بیشتر باشد، نشان دهنده اهمیت بیشتر آن در سیاست‌گذاری اقتصادی است. لیکن بررسی ضریب متغیر آزادی اقتصادی در دو منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا، حاکی از آن است که ضریب برآوردی متغیر آزادی اقتصادی در منطقه خاورمیانه، بزرگ‌تر از ضریب برآوردی آن در منطقه اتحادیه اروپا است که به‌طور خلاصه، در تحلیل این وضعیت می‌توان گفت با ارتقا و بهبود یک درصدی در وضعیت شاخص آزادی اقتصادی کشورهای اتحادیه اروپا، رشد اقتصادی

۱. لازم به توضیح است که به علت در دسترس نبودن آزمون‌های والد در مدل‌های پانل دیتا در نرم‌افزار Eviews برای اجرای آزمون مذکور از نرم‌افزار Stata14 استفاده شده است.

2. Generalized Least Squares

در این گروه از کشورها ۰/۰۲۵ ارتقا پیدا کرده، در حالی که در کشورهای منطقه خاورمیانه، بهبود یک درصدی در وضعیت شاخص آزادی اقتصادی، توانسته است رشد اقتصادی در این گروه از کشورها را ۰/۰۴ ارتقا دهد. بنابراین در یک جمع‌بندی کلی، می‌توان به نقش مهم و پررنگ آزادی اقتصادی در ایجاد بستری مناسب برای افزایش و ارتقا رشد اقتصادی صحنه گذاشت. همچنین بررسی ضریب سایر متغیرهای مورد مطالعه در این پژوهش، حاکی از آن است که در منطقه خاورمیانه، ضریب برآوردی متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بزرگ‌تر از سایر متغیرها است که اولاً، نشان از سطح پایین سرمایه در کشورهای منطقه خاورمیانه و ثانیاً، نیاز مبرم این گروه از کشورها به سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهت ارتقا کمی و کیفی تولیدات و نهایتاً، ایجاد بستری مناسب برای نیل به رشد اقتصادی مطلوب است. اما در گروه کشورهای منطقه اتحادیه اروپا، از بین متغیرهای مورد بررسی، ضریب برآوردی متغیر نرخ رشد سرمایه بزرگ‌تر از سایر متغیرها بوده که نشان از سطح بالای سرمایه و نقش پررنگ آن در تولیدات این گروه از کشورها و در نهایت، رشد اقتصادی می‌باشد.

جدول ۷. نتایج تخمین مدل پژوهش در کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا

| متغیر | | کشورهای منطقه خاورمیانه | | | | کشورهای اتحادیه اروپا | | | |
|---|--------|-------------------------|---------|-------|---|-----------------------|---------|-------|--------|
| | | Coef | Std.Err | Z | P > Z | Coef | Std.Err | Z | P > Z |
| Population | ۰/۲۵ | ۰/۰۹۴ | ۲/۶۶ | ۰/۰۰۸ | ۰/۱۲ | ۰/۱۲ | ۱/۰۲ | ۰/۳۰۹ | |
| Labor | ۰/۲۴ | ۰/۰۱۶ | ۱/۴۷ | ۰/۱۴۲ | ۰/۰۱ | ۰/۰۱ | ۰/۸۵ | ۰/۳۹۴ | |
| Capital | ۰/۱۱ | ۰/۰۱ | ۷/۹۴ | ۰/۰۰۰ | ۰/۲۷ | ۰/۰۱ | ۲۷/۷۷ | ۰/۰۰۰ | |
| Inflation | -۰/۰۰۲ | ۰/۰۲۱ | -۰/۱۱ | ۰/۹۰۹ | -۰/۱ | ۰/۰۳۱ | -۳/۱۹ | ۰/۰۰۱ | |
| Fdi | ۰/۲۳ | ۰/۰۴۲ | ۵/۶۶ | ۰/۰۰۰ | ۰/۰۲۵ | ۰/۰۰۴۱ | ۰/۶۳ | ۰/۵۳۷ | |
| Export | ۰/۰۱۴ | ۰/۰۰۹ | ۱/۵۲ | ۰/۱۲۶ | ۰/۰۰۷ | ۰/۰۰۳۳ | ۲/۱۲ | ۰/۰۳۳ | |
| Economic Freedom | ۰/۰۴ | ۰/۰۱۵ | ۲/۵۵ | ۰/۰۱۱ | ۰/۰۲۵ | ۰/۰۱۶ | ۱/۵۶ | ۰/۱۱۸ | |
| $Prob > chi^2 = ۰/۰۰۰$ $\chi^2(7) = ۱۴۷۱/۰۱$ | | | | | $Prob > chi^2 = ۰/۰۰۰$ $\chi^2(7) = ۱۰۹۵/۹۶$ | | | | |

مأخذ: نتایج تحقیق

۶. جمع‌بندی و ملاحظات

در این مطالعه، با استفاده از روش داده‌های تابلویی طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۷ به بررسی تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و اتحادیه اروپا با استفاده از متغیرهای مستقل همچون نرخ رشد جمعیت، نرخ رشد (مشارکت) نیروی کار، نرخ رشد تشکیل سرمایه ثابت، نرخ تورم، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی و نسبت صادرات کالا و خدمات به تولید ناخالص داخلی، پرداخته شد. در این مطالعه پس از انجام آزمون F لیمر و تأیید روش داده‌های تابلویی، با توجه به آزمون هاسمن، روش اثرات ثابت انتخاب گردید ولی با توجه به نتیجه آزمون والد مبنی بر وجود ناهمسانی واریانس در مدل اثرات ثابت، درنهایت، از روش GLS برای تخمین مدل نهایی پژوهش استفاده گردید.

نتایج مطالعه، حاکی از آن است که علامت تمامی متغیرهای مورد استفاده در مدل در هر دو منطقه با انتظارات تئوریک، سازگار و از نظر آماری، معنادار است. همچنین بررسی یافته‌های تحقیق، نشانگر آن است که متغیر آزادی اقتصادی در هر دو منطقه، دارای تأثیر مثبت بر رشد اقتصادی در دوره زمانی مورد مطالعه بوده، اما میزان این تأثیر با توجه به ضریب برآوردی آن در کشورهای منطقه خاورمیانه، بیشتر از کشورهای منطقه اروپا است. همچنین در بین متغیرهای مورد بررسی، در منطقه خاورمیانه، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در منطقه اتحادیه اروپا، متغیر نرخ رشد سرمایه، دارای اهمیت و تأثیرگذاری بیشتری بر رشد اقتصادی می‌باشند. لذا در تحلیل نتایج حاصل از این پژوهش، می‌توان اذعان داشت که قرار دادن اقتصاد یک کشور در مسیر مناسب رشد و توسعه، نیازمند وجود یک سری از پیش‌نیازهای اساسی است که برقراری آزادی اقتصادی از مهم‌ترین این پیش‌نیازها به شمار می‌رود.

بنابراین، با عنایت به مسأله در حال توسعه بودن کشورهای منطقه خاورمیانه و نیاز مبرم این کشورها به منابع حیاتی همچون سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای افزایش سطح کمی و کیفی تولیدات، افزایش قدرت رقابت‌پذیری و دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات در سایه ارتقا وضعیت آزادی اقتصادی و شاخص‌های آن، انتظار می‌رود سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیران اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران، نگاهی راهبردی و بنیادین به مسأله آزادی اقتصادی و شاخص‌های آن داشته و در این راستا، به پیشنهادهای زیر توجه کنند.

۱. با توجه به تأثیر مثبت و مهم آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی، پیشنهاد می‌شود مؤلفه‌های ده‌گانه آزادی اقتصادی شامل آزادی کسب و کار، آزادی تجارت، آزادی مالی، مخارج دولتی، آزادی پولی، آزادی سرمایه‌گذاری، آزادی بازار مالی، حقوق مالکیت، آزادی از فساد، و آزادی نیروی کار، بهبود و ارتقا یابند؛ که می‌تواند با برقراری ثبات در اجرای سیاست‌های اقتصادی کشورهای مورد مطالعه، اجرا شده و از این طریق، زمینه را برای بهبود شرایط اقتصادی فراهم کند.

۲. با توجه به سهم پایین کشورهای منطقه خاورمیانه، از میزان جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و با توجه به شکاف اقتصادی فراوان این کشورها با کشورهای توسعه‌یافته و با عنایت به این موضوع که یکی از راه‌های پر کردن این شکاف، جذب هرچه بیشتر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی است، پیشنهاد می‌شود کشورهای منطقه خاورمیانه و خصوصاً جمهوری اسلامی ایران با ارتقا شاخص‌های آزادی اقتصادی و اخذ سیاست‌های مناسب همچون ایجاد فضای امن سرمایه‌گذاری، زمینه را برای جذب هرچه بیشتر این سرمایه‌گذاری‌ها در راستای ارتقای فناوری‌های تولید و حرکت به سوی اقتصاد دانش‌بنیان، فراهم کنند.

۳. تصویب قوانین و مقررات باکیفیت و شفاف، به طوری که این قوانین در راستای بهبود سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و در جهت ارتقاء شاخص‌های آزادی اقتصادی و رفع نقایص و کاستی‌های مکانیسم بازار بوده و زمینه‌ساز دستیابی به رشد اقتصادی پایدار در کشورهای مورد مطالعه شود.

۴. تلاش سیاست‌گذاران و مسؤولان اقتصادی برای رفع موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای تجاری به منظور ارتقاء آزادی در حوزه مبادلات بین‌المللی که می‌تواند زمینه‌ساز ترغیب و نفوذ بنگاه‌های داخلی به بازارهای بین‌المللی شده و از این طریق، رقابت پذیری محصولات یک کشور را در سطح جهانی افزایش داده و زمینه‌ساز رشد اقتصادی پایدار شود.

۵. عضویت در مجامع بین‌المللی و کاهش تنش در حوزه روابط بین‌الملل و سیاست خارجی و همچنین هماهنگی بیشتر نهادها و سازمان‌های متولی موجود در امر برقراری امنیت و حمایت از برنامه‌ها و قوانین و مقررات تصویب شده، یکی دیگر از راه‌هایی است که یک کشور می‌تواند برای ترسیم چهره روشن و مطمئن از فضای اقتصاد داخلی و بین‌المللی خود ارائه نموده و از این طریق، زمینه را برای حضور هرچه بیشتر سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی فراهم، و مسیر دستیابی به رشد اقتصادی مستمر و باثبات را تسهیل کند.

منابع

- امیری، حسین؛ نوروزی عموقین، فریبا؛ پیرداده بیرانوند، محبوبه و علیزاده، شیوا. (۱۳۹۷). بررسی آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی: کشورهای منطقه). *مجله اقتصادی*، شماره های ۵ و ۶: ۳۰-۵.
- بابکی، روح اله و سلیمی فر، مصطفی. (۱۳۹۳). نقش محیط کسب و کار و آزادی اقتصادی در رشد اقتصادی کشورهای منتخب با رویکرد داده های تابلویی (۲۰۱۳-۲۰۰۴). *مجله اقتصاد و توسعه منطقه ای*، سال ۲۱، شماره ۸: ۱۵۲-۱۲۱.
- برومند، شهرزاد؛ شاه حسینی، سمیه؛ امینی، صفیاء و فخر حسینی، سید فخرالدین. (۱۳۸۷). *امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور منتخب (مطالعه تطبیقی)*. تهران: دفتر مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.

- بهکیش، محمد مهدی. (۱۳۸۹). *اقتصاد ایران در بستر جهانی* شدن. تهران: انتشارات نشرنی، چاپ پنجم.
- پاداش، حمید؛ حسن پور، اسماعیل و خسروی، امیر رضا. (۱۳۹۰). تبیین رشد اقتصادی ایران با رویکرد نهادی: نقش آزادی اقتصادی، آزادی سیاسی و فساد بر رشد اقتصادی ایران. *مجله دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، دوره ۴، شماره ۹: ۲۲۴-۱۹۳.
- خادمی اردکانی، علیرضا. (۱۳۸۶). بررسی اثر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز.
- خداپرست مشهدی، مهدی؛ فلاحی، محمد علی و آریانا، امیر. (۱۳۹۳). بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی ایران. *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، سال ۹، شماره ۱۷: ۷۵-۹۸.
- دادگر، یدالله. (۱۳۸۹). *تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی (آزمونی مجدد)*. قم: انتشارات دانشگاه مفید، چاپ دوم.
- درخشان فر، خاطره. (۱۳۹۳). رابطه بین آزادی اقتصادی و رشد اقتصادی در کشورهای MENA. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده اقتصاد و حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.
- رزمی، سید علی اکبر؛ رزمی، سید محمد جواد و شهرکی، سارا. (۱۳۸۸). تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی با رویکرد مکتب نهادگرا: بررسی علی. *مجله دانش و توسعه*، سال ۱۶، شماره ۲۸: ۱۵۷-۱۲۷.
- رنایی، محسن. (۱۳۷۶). *بازار یا نابازار؟ بررسی موانع نهادی کارایی نظام اقتصادی بازار در اقتصاد ایران*. سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی-اجتماعی و انتشارات، تهران.
- سامتی، مرتضی؛ صامتی، مجید و شهنازی، روح اله. (۱۳۸۵). تأثیر آزادی اقتصادی بر درآمد سرانه و رشد اقتصادی (با رهیافت Panel Data). *پژوهشنامه اقتصاد کلان*، دوره ۶، شماره ۲۰: ۸۴-۵۹.
- شاه آبادی، ابوالفضل و بهاری، زهره. (۱۳۹۳). تأثیر ثبات سیاسی و آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورهای منتخب توسعه یافته و در حال توسعه. *فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۴، شماره ۱۶: ۷۲-۵۳.
- شاه آبادی، ابوالفضل و صادقی، حامد. (۱۳۹۴). وفور منابع طبیعی و تولید ناخالص داخلی سرانه در کشورهای نفتی با تأکید بر آزادی اقتصادی. *فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۵، شماره ۲۰: ۹۸-۷۹.
- شاه آبادی، ابوالفضل؛ امیری، بهزاد و ثمری، هانیه. (۱۳۹۴). تأثیر امنیت اقتصادی بر تولید ناخالص داخلی کشورهای منتخب G77. *فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی*، دوره ۱۹، شماره ۷۶: ۱۴۹-۱۱۵.
- شهنازی، روح اله. (۱۳۸۴). تأثیر آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی و درآمد سرانه. پایان نامه کارشناسی ارشد علوم اقتصادی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اصفهان.
- متفکر آزاد، محمد علی؛ اسدزاده، احمد؛ امینی خوزانی، محسن و شیرکش، محمود. (۱۳۹۲). تحلیل اثرات همزمان آزادی اقتصادی، توسعه انسانی و آزادی سیاسی در کشورهای منتخب اسلامی (۲۰۱۰-۲۰۰۱). *فصلنامه پژوهش های رشد و توسعه اقتصادی*، سال ۴، شماره ۱۳: ۹۶-۷۹.

- مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد. (۱۳۸۲). *ارزیابی اقتصاد ایران با رویکرد شاخص آزادی اقتصادی*. تهران.
- نادری، مرتضی و شربت اوغلی، احمد. (۱۳۸۶). بررسی نظری و تجربی تأثیر شرایط آزادی اقتصادی بر رشد اقتصادی کشورها. *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال ۹، شماره ۳۲: ۲۹-۱.
- هیبیتی، فرشاد؛ رهنمای رودپشتی، فریدون؛ نیکومرام، هاشم و احمدی، موسی. (۱۳۸۷). رابطه آزادی اقتصادی با مشارکت‌های عمومی خصوصی و ارائه الگو برای ایران. *فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی*، سال ۲، شماره ۲: ۵۲-۲۵.
- Aisen, A., & Veiga, F. (2011). How does political instability affect economic growth? IMF Working Paper, No. 11/12, 1-28.
- Amiri, H., Nowruzi Amoqin, F., Pirdade Biranvand, M., & Alizadeh, Sh. (2018). Investigating economic freedom on economic growth with resistance economics approach (Case study: Regional countries). *Economic Journal*, 5& 6, 5-30 (In Persian).
- Asandului, L., Iacobuta, A., & Cautisanu, C. (2016). Modelling economic growth based on economic freedom and social progress. *European Journal of Sustainable Development*, 5(3), 229-238.
- Ashby, N. J., & Sobel, R. S. (2008). Income inequality and economic freedom in the US states. *Public Choice*, 134(3-4), 329-346.
- Ashby, N. J., Karabegovic, A., McMahon, F., & Bueno, A. (2010). Economic freedom of North America. *Fraser Institute*, Annual Report.
- Babaki, R., & Salimifar, M. (2014). The role of business environment and economic freedom on economic growth in selected countries by using Panel Data during 2004-2013. *Journal of Economy Regional Development*, 21, 8: 121-152 (In Persian).
- Baltaji, B. H. (2010). Unbalanced panel data models. Department of Economics, University of Vienna, 9, 1-19.
- Behkish, M. M., (2010). *Iranian economy in the context of globalization*. Tehran: Nashr-e Ney Publications, Fifth Edition (In Persian).
- Borromand, Sh., Shah Hosseini, S., Amini, S., & Fakher Hosseini, S. F., (2008). *Economic security in Iran and several selected countries (comparative study)*. Tehran: Islamic Consultative Research Center (In Persian).
- Carlsson, F., & Lundström, S. (2001). Economic freedom and growth: decomposing the effects. Göteborg University, *Department of Economics*, Working Paper in Economics, No. 33.
- Cebula, R. J. (2011). Economic growth, ten forms of economic freedom, and political stability: An empirical study using panel data, 2003-2007. *Journal of Private Enterprise*, 26(2), 61-81.
- Dadgar, Y. (2010). *The History of Evolutions of Economic Thought (Test again)*. Ghom: Mofid University Publishing. Second Edition (In Persian).
- Derakhshan Far, KH. (2014). The relationship between economic freedom and economic growth in MENA countries. MSc in Economics, Faculty of Economics and Accounting, Islamic Azad University Central Tehran Branch (In Persian).
- Doucouliagos, C., & Ulubasoglu, M. A. (2006). Economic freedom and economic growth: Does specification make a difference?. *European journal of political economy*, 22(1), 60-81.
- Economics Research Institute. (2003). *Evaluating iran's economy by economic freedom index approach*. Tehran (In Persian).

- Edlund, K. (2017). *Does economic freedom affect the growth rate? evidence from middle-income countries*. International Business Program, Umea University.
- Ershad Hussain, M., & Haque, M. (2016). Impact of economic freedom on the growth rate: A panel data analysis. *Economies*, 4(2), 5.
- Gurgul, H., & Lach, L. (2011). The nexus between economic freedom and growth: Evidence from CEE countries in transition. Department of Applications of Mathematics in Economics, AGH University of Science and Technology in Cracow.
- Hanh. T. Vu. (2010). The relationship between economic freedom and economic growth: the transition process in Vietnam and China, honors college at WKU, available at: digitalcommons.wku.edu/stu_hon_theses.
- Harshbarger, W. (2002). *Economic freedom*. The Ludwig Von Mises Institute.
- Heibati, F., Rahnamai Roodposhti, F., Nikuo Maram, H., & Ahmadi, M. (2008). Relationship between economic freedom and public-private partnerships and developing a model for Iran. *Quarterly Journal of Economical Modeling*, 2(6), 25-52. (In Persian).
- Hristova, K. D. (2012). Does economic freedom determine economic growth? a discussion of the heritage foundation's index of economic freedom. *Economics Department, Mount Holyoke College*. South Hadley, MA 01075. A Thesis Submitted to the Faculty of Mount Holyoke College. In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of, Bachelor of Arts with Honors.
- Johnson, B., Holmes, K. & Melanie, K. (2000). Index of economic freedom. Translated and summarized by Amin, M., *Journal of Budget and Planning*, 48, 105-134.
- Khademi Ardakani, A. (2007). *The effect of economic freedom on economic growth*. MSc in Economics, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, University of Shiraz (In Persian).
- Khodaparast Mashhadi, M., Fallahi, M. A., & Ariana, A. (2014). The impact of social capital and economic freedom on Iranian economic growth. *Iranian Economic Journal: Macroeconomics*, 9(17), 75-98 (In Persian).
- Kilich, C., & Arica, F. (2014). Economic freedom, inflation rate. *Romanian Journal of Economic Forecasting*, 17(1), 160-176.
- Levin, A., Lin, C. F., & Chu, C. J. (2002). Unit root tests in panel data: asymptotic and finite- sample properties. *Journal of Econometrics*, 108, 1- 24.
- Motafaker Azad, M. A., Asadzadeh, A., Amini Khozani, M., & Shirkoosh, M. (2013). Analysis of the effects of economic freedom, human development and democracy in selected Islamic Countries (2001-2010). *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*, 4 (13), 79-96. (In Persian).
- Naderi, M., & Sharbatoguli, A. (2007). The effect of economic freedom on economic growth. *Iranian Journal of Economic Research*, 9(32) 1-29 (In Persian).
- Padash, H., Hassan Pour, E., & Khosravi, A. R. (2011). The institutional approach to explaining economic growth: The role of economic freedom, political freedom and corruption on economic growth. *Financial Knowledge of Securities Analysis*, 4(9), 193-224 (In Persian).
- Razmi, S. A. K., Razmi, S. M. J. & Shahraki, S. (2009). The effect of economic freedom on economic growth with institutional approach (Causal Investigation). *Journal of Knowledge and Development*, 16(28), 127-157 (In Persian).
- Renani, M. (1997). *Market or nonmarket? a study of market failure in Iranian economy*. Planning and Budget Organization, Center for Socio-Economic Documents and Publications, Tehran (In Persian).

- Sameti, M., Sameti, M., & Shahnazi, R. (2006). The impact of economic freedom on per capita income and economic growth (Panel Data Approach). *Iranian Economic Journal: Macroeconomics*, 6 (20), 59-84 (In Persian).
- Shahabadi, A., & Bahari, Z. (2014). Effect of political stability and economic freedom on the economic growth in selected developed and developing countries. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*. 4(16), 53-72. (In Persian).
- Shahabadi, A., & Sadegi, H. (2015). Natural resource abundance and GDP per capita in oil countries, with emphasis on the economic freedom. *Quarterly Journal of Economic Growth and Development Research*. 5(20), 79-98 (In Persian).
- Shahabadi, A., Amiri, B., & Sameri, H. (2015). The effect of economic security on gross domestic product in selected countries of G77. *Trade Studies Quarterly*, 19 (76), 115-149 (In Persian).
- Shahnazi, R. (2005). The impact of economic freedom on economic growth and per capita income. MSc in Economics, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan (In Persian).
- The Heritage Foundation. (2018). Methodology for the 31 economic freedom. available at: www.Heritage.org.

